

فصلنامه خط اول

سال دوم، شماره ۶، پاییز ۱۳۸۷

صفحه ۴۳ تا ۶۰

بررسی مبانی مسأله آزادی در آئینه اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

دکتر حسین هرسیج، دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان
محسن شیرواند، کارشناس ارشد فلسفه غرب دانشگاه اصفهان

چکیده

بی‌شک آزادی و احساس آزاد بودن از خواست اولیه انسانها است. در طول تاریخ مکاتب مختلفی با توجه به این بعد فطری شکل گرفته و نظریات مختلفی نیز بیان شده است. از آنجاکه در اسلام به همه ابعاد وجودی انسانها توجه شده و سیاست نیز از این قاعده مستثنی نگردیده است. اصولاً عرصه سیاست عرصه آزادی و آزاد اندیشی انسانها تلقی می‌شود. به عبارت دیگر لازمه ورود به عالم سیاست، آزاد اندیشی و اعتقاد به این واقعیت است که انسانها دارای آزادی عمل می‌باشند. امام خمینی (ره) از اندیشمندان و آزادی خواهان معاصر است که ضمن اعتقاد به آزادی انسانها بینشی خاص در عرصه علوم سیاسی وارد کرده است. این پژوهش سعی دارد ضمن بر شماری نظریات مختلف اندیشمندان غربی و مسلمان، به بررسی آراء امام خمینی (ره) در خصوص مبانی آزادی و چگونگی اعمال آن در عالم سیاست پرداخته شود.

کلید واژگان: امام خمینی، آزادی، سیاست، فطرت.

مقدمه:

آزادی و احساس آزاد بودن خواست طبیعی و از حقوق اولیه انسان می باشد که خداوند همزاد با وی آفریده است. رشد و کمال انسانها همواره در بستر آزادی تحقق یافته است. این خواست آن قدر برای انسان ارزشمند است که حاضر به جان فشانی در راه تحقق آن است. خلاصه آنکه انسان و جوامع انسانی در پرتو آزادی سرنوشت دنیا و آخرت خود را رقم می زنند، بر همین اساس که آزادیخواهی و تلاش در راه آزادی در تاریخ پرفراز و نشیب بشری، فضیلتی ارزشمند به شمار می آید. در تاریخ صدر اسلام نیز نمونه های زیادی در این خصوص وجود داشته است. امام علی (ع) در نهج البلاغه می فرماید: «ولا تکن عبد غیرک فقد جعلک الله حراً» (بنده دیگری مباش که خداوند تو را آزاد آفریده است) (۱).

امام خمینی (ره) یکی از چهره های آزادی خواهانه است که مبارزات آزادی بخش ملت ایران را در برابر رژیم شاهنشاهی بر پایه تفکرات دینی و براساس فطرت آزاد خواهی بشر، رهبری نمود.

حال این سوال مطرح است: آیا آزادی مورد نظر امام (ره) از سنخ آزادیهای مرسوم غربی است؟ تفکرات دینی در خصوص آزادی چگونه است؟

۱- مفهوم آزادی

واژه آزادی معادل «حرّیه» در فرهنگ اسلامی است که دارای بار حقوقی و نیز اخلاقی است. (۲) این کلمه یک اطلاق در مقابل «جبر» و مساوی «اختیار» می باشد. آنچه که از آزادی در این مبحث مد نظر است، آزادی در حیطه «اجتماعی و سیاسی» می باشد، اما قبل از ورود به این بحث، بهتر آن است که دیدگاههای بعضی از دانشمندان را در این زمینه آورده شود.

۲- دیدگاههای دانشمندان

ارسطو که از پیشگامان اندیشه سیاسی به شمار می رود، در کتاب «سیاست» خویش درباره آزادی اینچنین می گوید: «عامه چنین می گویند که پایه دموکراسی آزادی است.... ولی یکی از مظاهر آزادی، آن است که به تناوب هرکس فرمانروایی و فرمانبرداری کند. بنیاد عدل در دموکراسی برابری عددی است نه ارزشی و چون عدل بر این پایه استوار باشد مردم هر آینه بر همه امور حاکمند....» (۳)

ارسطو در این گفتار آزادی را به معنای مشارکت در حکومت می بیند و درحقیقت به

حقوق مردم در مورد دخالت در سرنوشت خویش اشاره دارد. ایشان حتی اساس عدالت را در دموکراسی، به افراد اطلاق کرده و در نتیجه حکومت را از آن مردم دانسته است. یعنی اراده اکثریت را در اداره امور حکومت، اراده غالب و نهایی می‌دانند. پس آزادی از منظر ارسطو، مفهومی همزاد با عدالت دارد.

اسپینوزا انسان آزاد را کسی دانسته که تنها به حکم «عقل» زندگی می‌کند. (۴) به عبارت بهتر، انسان آزاد اسپینوزایی یعنی، انسان عاقل، پس عقل در اندیشه اسپینوزا، مبنای آزادی بوده و آزادی ریشه در عقل. جان لاک نیز آزادی را عبارت از «قدرتی» دانسته که انسان برای انجام دادن یا احتراز از عملی خاص برخوردار است. لاک، آزادی را قوه ای دانسته که صرفاً برای فعل یا عدم انجام فعل در انسان تعبیه شده است. (۵)

روسو نیز آزادی را تعبیر به «حکومت بر خود» کرده، (۶) ایشان در این نظریه برخلاف ارسطو است، چرا که ارسطو آزادی را در حکومت بر مردم و یا دخالت در تصمیمات حکومتی دانسته اما روسو، آزادی را در تسلط بر خویشتن می‌داند.

مرحوم میرزای نائینی (ره) نیز در کتاب «تنبيه الامه و تنزيه الملة» آزادی را عبارت از «رها بودن از یوغ طاغوت» دانسته و آزادی کلی خواه آزادی قلم، خواه آزادی بیان و هر نوع آزادی را، «خدادادی» توصیف نموده‌اند. (۷)

اما یکی از اندیشمندانی که تعریف آزادی را در قاموس حکومت تجلی داد و خود رهبر و مقتدای آزادیخواهان عصر خویش است، امام (ره) است که در باب آزادی و آزادیخواهی اندیشه‌های پرمغزی دارد که در این مقاله به بررسی اندیشه ایشان در مورد مساله آزادی و در نهایت مبانی آن می‌پردازیم:

۳- آزادی در آئینه فکر امام خمینی (ره)

بطور کلی وقتی صحبت از آزادی می‌شود، باید دو شق اساسی این مهم در نظر گرفته شود:

۱- آزادی فلسفی یا آزادی طبیعی (اختیار) ۲- آزادی ارادی (تجویزی)

اول: امام (ره) در بحث از جبر و اختیار، نظریه جبر را که از سوی اشاعره و جبریّه (از فرقه های کلامی که اعتقاد به عدم اختیار و آزادی از ناحیه انسان دارند) صادر شده، را رد و آن را ظلم به خدای متعال و پایمال کننده حق آفریدگان معرفی می‌کند. (۸)

ایشان معتقدند که جبریّه، اعتقاد به اراده غالب خدا بر اراده انسان داشته و انسان مقهور اراده

خداوند است و از خود هیچ اراده آزادی ندارد. از طرف دیگر امام(ره) نظریه تفویض که انسان را مکلف و مختار علی الاطلاق دانسته و بود و نبود خدا یکسان شمرده شده را مردود دانسته، در پایان اشاره می‌کند که انسان نه تنها در اصل وجود مستقل نیست، بلکه عین ربط محض بوده و وجودشان عین فقر و تعلق است و صفاتی نیز که در انسان وجود دارد هرچند دارای آثاری است لکن در همان صفات نیز مستقل نمی‌باشد(۹). بنابراین امام(ره) انسان را آزاد دانسته اما نه مستقل و آزاد علی الاطلاق که خارج از حیطه قدرت و اراده خالق بی‌نیاز باشد، بلکه از طرفی انسان دارای اختیار است و همان اختیارش را نیز خدا به او عطا فرموده و از طرف دیگر دارای اختیار نیست چرا که این اختیار در طول اراده خداوند هست پس امام(ره) به قاعده «بل امر بین الامرین» معتقدند. هرچند امام(ره) سرشت انسانها را در میل به نیکی و بدی متفاوت می‌دانند ولی هیچ یک از عوامل گوناگون طبیعی وارثی مانع از آزادی ایشان نمی‌شود.(۱۰)

بنابراین نتیجه می‌شود که امام(ره) انسان را دارای قدرت تصمیم‌گیری و اختیار دانسته و هیچ یک از عوامل طبیعی، وراثتی و الهی اراده انسان را مقهور خویش نساخته، بلکه انسان دارای آزادی فلسفی یا فطری است که ذاتی انسان می‌باشد. ایشان آزادی را حق اولیه بشر دانسته و آن را «عطایی از طرف خداوند» دانسته نه اینکه از طرف عده‌ای از افراد(۱۱) پس در آزادی فطری(فلسفی) صحبت از بود و نبود آزادی است و اینکه آیا بشر آزاد هست یا خیر.

۴- آزادی تجویزی:

در آزادی تجویزی صحبت از باید و نباید است. امام(ره) معتقدند که انسان آزاد است و هیچ الزام و اکراهی و هیچ قیدی برای محدودیت انسان وجود ندارد، این امر آنقدر واضح است که نیازی به تعریف نیز ندارد.(۱۲) بنابراین انسان آزاد، انسان مورد تعریف امام(ره) است که خالی از هر قیدی است، چه قید دیگران و چه قید خود او بدین شکل که نه دیگران می‌توانند این آزادی را از انسان بگیرند و نه آزادی تحقق اراده، توسط خود وی می‌تواند از او سلب گردد، بلکه او دارای آزادی مطلق(۱۳) است به شرطی که موجب ضرر و مفسده‌ای در جامعه نگردد. پس، آزادی در انسان چیزی است که نه اعطایی از طرف دیگران است که بخواهند آن را از انسان بگیرند و کسانی که این ادعا را می‌کنند که «آزادی را اعطا کردیم» بلکه آزادی منشایی الهی داشته و عطایی است از طرف خداوند.(۱۴)

امام(ره) منشا آزادی را دین اسلام دانسته، چه اینکه انسان از نظر اسلام آزاد خلق شده و

بر مال و جان و ناموس و مشی‌اش مختار آفریده شده و اصلاً این اصل آزادی یکی از بنیادهای اسلام است که انسان بالفطره آزاد خلق شده است. (۱۵) روشن است که امام (ره) پایه و اساس آزادی را دین مبین اسلام و اصل توحید دانسته (۱۶) و هیچ کس حق ندارد که این آزادی را از انسان سلب و یا ممتی بر او نهد که آزادی اعطایی دیگری [انسان] است.

ایشان حکومت اسلامی را معادل آزادی و استقلال دانسته (۱۷) و یادآور می‌شوند اسلام اجازه نمی‌دهد کسی حق آزادی را از انسان سلب نماید از منظر امام (ره) اختناق در اسلام نیست بلکه اسلام برای همه مردم آزادی را به ارمغان آورده (۱۸) و از طرفداران آزادی و حقوق بشر برای همه است و این اصلی است که هم، سرلوحه حقوق بشر و مورد تأیید جوامع انسانی است و هم مورد رضای خداوند است. (۱۹)

ایشان درجایی دیگر با تأسی به سنت پیامبر (ص) و ائمه (ع) آزادی را حق طبیعی انسانها دانسته و می‌فرمایند: «اسلام شخص اول مملکتش با یکی از رعایا فرق نداشت.... آزادی آراء در اسلام از اول بوده است، در زمان ائمه (ع) ما بلکه در زمان خود پیغمبر (ص) آزاد بود....» (۲۰) امام (ره) آزادی را نشأت یافته از اسلام و اصل توحید دانسته که خدا بالفطره آن را در نهاد انسان تعبیه نموده است. یعنی آزادی امری دو سویه است: هم از طرف انسان که بالفطره خواهان آن است و هم از طرف خدا که آن را به انسان اعطا فرموده است.

۵- آزادی در آئینه قرآن کریم

از منظر امام (ره) آزادی دارای منشأیی الهی و توحیدی است. ایشان در بیانات خود صریحاً به آیات و روایات استناد داشته که خود مؤیدی بر ریشه دار بودن اصل آزادی از منظر اسلام است. ایشان قرآن کریم را توجیح‌گر مسئله آزادی دانسته (۲۱) و عرضه داشته که «استقلال و آزادی در پیروی از قرآن کریم و رسول اکرم است.» (۲۲) اما آنچه در این مبحث مد نظر است آزادی از منظر امام (ره) است. آزادی‌ای که امام (ره) آن را به قرآن کریم مستند کرده و آن را زیربنای حکومت اسلامی معرفی نموده‌اند. (۲۳) قرآن کریم در بیان اهداف انبیای الهی (ع) می‌فرماید:

«و يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ.» (و تکالیف سنگین و زنجیرهایی که بر آنها بود را بر می‌دارد.) (۲۴)

یکی از اهداف بزرگ انبیای الهی در این آیه شریفه آزادی انسانها از قید و بندها را می‌رساند. آزادی که خداوند آن را به مثابه عطایی از طرف خود دانسته و به نظر می‌رسد که

انسان در صورت آزاد بوده مکلف خواهد بود. یعنی تکلیف زمانی بر انسان جاری می‌شود که آزاد آفریده شده باشد، تا بتواند تصمیم‌گیری کند. حال در این تصمیم‌گیری مسیر درست را انتخاب نماید یا مسیر طغیان را این وابسته به خود اوست. مطابق همین گفته، قرآن کریم می‌فرماید: «أَمَّا شَاكِرًا أَمَّا كَفُورًا» (۲۵) در اینجا قرآن کریم، آزادی را به فرد متعلق دانسته یعنی خواه انسان شاکر باشد و خواه کافر. و این خود می‌رساند که از نظر قرآن انسان موجودی آزاد است و توانایی انتخاب را دارا می‌باشد.

قرآن کریم در آیاتی دیگر، آزادی بشر از قید و بندهای شیاطین و انسانهای ظالم را یادآوری کرده، آنجا که حضرت موسی (ع) هنگام پاسخگویی به فرعون درباره سنتهایی که بر بنی اسرائیل می‌گذاشت، چنین فرموده است: «وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ.» (۲۶) برآستی انسان آزاد آفریده شده و این از نعمتهای الهی که خدا برای بشر قرار داده و از بزرگترین نعمتهای خداوندی محسوب می‌گردد.

امام (ره) اول مرتبه تمدن را آزادی ملت دانسته و ملتی را که از این حق محروم بوده را ملتی بی تمدن محسوب (۲۷) و هر کس این حق را از مردم سلب می‌کند را انسانی وحشی قلمداد کرده است. (۲۸) واضح است که با این تفکر، درجه آزادی چقدر برای جوامع و افراد آن حائز اهمیت بوده، تا جایی که ملل فاقد آزادی، فاقد تمدن نیز می‌باشند. در چارچوب آزاد بودن است که افراد یک جامعه می‌توانند بیندیشند، بیان بکنند، بنویسند و در یک کلمه تمدن را بسازند. قرآن کریم بالاترین آزاداندیشی را در مقام عقیده دانسته آنجا که پس از «لا اِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (۲۹) جمله «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (۳۰) را ذکر نموده است. قرآن کریم اختیار را در دین به خود انسان واگذار نموده و بخصوص که بلافاصله هدایت را از گمراهی تمیز داده و این خود آزادی انسان را در هر دو مقام انتخاب گمراهی یا هدایت نشان می‌دهد.

رمز پایداری جوامع در گرو حیات فکری آنان است و بدون تفکر، آرزوی رسیدن به سعادت خیالی خام می‌باشد آزادی تفکر برای انسانها آن قدر حائز اهمیت بوده که شعاری شده که بر تارک اندیشه‌های آنانی که حرفی برای گفتن دارند می‌درخشد. قرآن کریم بارها بشر را به تفکر در مخلوقات خداوند تحریض نموده و اینها را برای هدایت انسانها معرفی نموده است. (احساس آزاد اندیشی به عنوان یکی از مولفه های آزادی در اسلام) در سوره غاشیه آمده است که «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ» (آیا به شتر توجه نمی‌کنید که چگونه خلق شده است؟) (۳۱) و چند آیه بعد اینها را همگی در مقام تذکره و یادآوری ایراد نموده (۳۲) و می‌گوید: «الَّذِينَ تَتَوَلَّوْا كُفْرًا» (هر کس می‌خواهد ایمان آورد یا کافر گردد)

(۳۳)

همانطور که مشاهده می شود خداوند در این آیات انسان را دعوت به تأمل و اندیشیدن در مخلوقات خود می نماید. این دعوت الهی نوعی اثبات آزادی و صحه گذاشتن بر این مقوله از ناحیه خداوند است چه اینکه انسان در صورتی توانایی اندیشیدن و در واقع مومن و کافر گشتن به مخلوقات خداوند را دارد که دارای قوه آزادی باشد و الا دعوت به تفکر از طرفی به عدم اختیار و آزادی در انتخاب از طرف دیگر نوعی تناقض در خلقت محسوب می گردد.

قرآن کریم در آیات خود مأوایی برای نیکان معرفی نموده و بندگان شایسته خدا را رستگار می داند (۳۴) و در عوض کافران را خواهان باطل معرفی کرده (۳۵) و در جایی دیگر، پیامبر (ص) را ترساننده روز قیامت (۳۶) معرفی می نماید، که همگی این آیات در اثبات و تحقق آزادی برای انسان حکایت می کند، زیرا اگر انسان فاقد آزادی باشد، نه توانایی انتخاب رستگار شدن را دارد و نه توانایی انتخاب باطل را و در نهایت وقتی در سوره النازعات، پیامبر (ص) را صرفاً ترساننده روز رستاخیز معرفی می کند این خود بهترین دلیل است که انسان توانایی گزینش حق و باطل را داراست.

بنابراین از منظر امام (ره) آزادی هدیه ای الهی برای انسان ها تلقی شده و هر نوع خفقان و دیکتاتوری باطل محسوب می گردد.

۶- آزادی در آئینه سنت معصومین (ع)

پرچمداران مبارزه با نظامهای دیکتاتوری و سلطه و نیز برپادارنده بیرق آزادی و آزادی خواهی، انبیا عظام (ع) و ائمه معصومین (ع) بوده اند. در این قسمت به جهت اینکه یکی از منابع فکری امام (ره) در باب آزادی رجوع به سنت معصوم (ع) است به آزادی از منظر این بزرگواران اشاره اجمالی به عمل می آید: امام علی (ع) در نهج البلاغه در باب شناخت جایگاه جبر و اختیار فرمودند: «خداوند سبحان، بندگان خود را فرمان داد، در حالیکه اختیار دارند...» (۳۷) و یا در جای دیگر می فرمایند «در مجلس عمومی با آنان (ذوی الحاجات) بنشین... و سربازان و یاران و نگهبانان خود را از سر راهشان دور کن تا سخنگوی آنان بدون اضطراب در سخن گفتن با تو گفتگو کند...» (۳۸)

همچنانکه ملاحظه می گردد، سنت آزادی بیان و عقیده به صدر اسلام و در کلام معصومین (ع) به بهترین وجه و در غالب شیواترین بیانات ذکر گردیده به طوری که انسان،

دموکراسی واقعی را در این گفتارها می‌یابد. رابطه آزاد و عاری از لکنّت زبان حاکم و مردم که اوج آزادی در جامعه می‌باشد، در صدر اسلام به بهترین تعبیر در کلام امام علی (ع) و رسول خدا (ص) آمده است.

مطابق آیات و روایات اختیار تمام کارهای مؤمن به خودش واگذار شده، مگر اختیار خوار کردن خود که خداوند چنین اختیار و آزادی را به او نداده است. قرآن کریم می‌فرماید: «ولله العزه و لرسوله و للمؤمنین» (عزت از آن خدا و از آن رسول او و از آن مومنان است) (۳۹) و نیز پیغمبر اکرم (ص) می‌فرماید: «اطلبوا الحوائج بعزه الانفس» (حاجت های خویش را همراه با عزت نفس مطالبه کنید) (۴۰) در سنت رسول اکرم (ص) نیز که اتصال با وحی الهی داشته و نیز با آن مقام و منزلت و الایش، لکن با این وجود ایشان مأمور به مشورت با مردم است و این خود به خوبی گویای این مطلب است که مردم در مقابل ایشان حق اظهار نظر و آزادی بیان را داشته‌اند. (۴۱) امام علی (ع) در کتاب شریف نهج البلاغه یکی از حقوق حاکم بر مردم را وفاداری به بیعت و نصیحت در حضور و غیبت دانسته‌اند.

«و اما حقى عليكم فالوفاء بالبيعه و النصيحة، فى المشهد و المغيب.» (۴۲)

و این خود گویای این مطلب است که مردم زمان امام علی (ع) آن قدر از آزاد بیان برخوردار بودند که بدون هیچ لکنتی می‌توانستند نسبت به حاکم خود، ایراد گرفته و او را مورد پند و نصیحت قرار دهند.

بدین ترتیب روشن می‌شود ریشه آزادی، از طرفی برگرفته از تعالیم قرآن کریم و سنت معصومین (ع) است و از طرف دیگر خداداد بالفطره آن را در نهاد انسان به ودیعه گذاشته تا راه صواب یا خطا را خود طی نماید. جایی که خداوند، انسان را آزاد خلق کرده و حتی می‌تواند نسبت به خالق خود نیز بی‌اعتنایی ورزد «اما شاکراً و اماً کفوراً» (۴۳) و کفر پیشه شود، نهایت آزادی انسان است. امام علی (ع) می‌فرماید:

«ولا تکن عبد غیرک و قد جعلک الله حراً» و هرگز بنده دیگری مباش در حالیکه حقیقتاً خداوند یکتا تو را آزاد قرار داده است. (۴۴)

بنابراین آزادی و مبانی آزادی خواهی قرآن کریم و سنت معصوم (ع) است که در فکر و کلام امام خمینی (ره) جاری شده است.

۷- محدوده آزادی از منظر امام خمینی (ره) با تأکید بر عقلانی بودن آن

آزادی از شعارهای اساسی انقلاب اسلامی بوده و از مفاهیمی است که امام خمینی (ره) به

صورت بنیادین از آن دفاع نموده و آن را به مثابه یک شعار سیاسی به عنوان «حق اولیه بشر» نام می‌برند. (۴۵) ایشان منشاء آزادی خواهی را اصل توحید دانسته و می‌فرمایند:

«ریشه و اصل همه آن عقاید [که در قرآن کریم آمده] که مهمترین و با ارزش ترین اعتقادات ماست اصل توحید است. و ما از این اصل اعتقادی اصل آزادی بشر را می‌آموزیم.» (۴۶)

وی معتقدند هیچ انسانی نباید از کسی اطاعت کند و یا اینکه هیچ فردی حق ندارد دیگری را به زور وادار به اطاعت از خود نماید. و اینها را مبتنی بر اصلی دانسته که انسانها همگی دارای آزادی اند. (۴۷) اما این آزادی دارای محدودیت هایی است که قبل از ورود به آن شایسته است، سؤالی مطرح شود که ضمن بحث پیرامون آن، قلمرو آزادی از منظر امام (ره) نیز روشن خواهد شد. سوال این است که آیا امام (ره) طرفدار آزادی مطلق و بی حد و حصرند یا اینکه آزادی از منظر ایشان مقید است؟

وی می‌فرمایند: «تمام چیزهایی که در رشد انسان... دخالت دارد، اینها همه آزاد هستند.» (۴۸)

آنچه از سخنان امام (ره) در خصوص قلمرو آزادی بدست می‌آید، این است که ایشان به آزادی مقید و محدود، معتقد بوده و اعتقادی به آزادی مطلق که از هر حیث حصر و بندی نداشته باشد، ندارند، البته امام (ره) آزادی مطلقی که در جهت رشد و تعالی انسان باشد معتقدند. و اصلاً تمام انبیاء و اولیاء دیگر مخلوقات برای خلق شده‌اند که انسان در مسیر رشد و تعالی و هدایت گام بردارد. امام (ره) قلمروهایی در باب محدوده آزادی بیان نموده که سیره عقلا نیز مؤید آن می‌باشد.

۱- آزادی در محدوده قانون:

اولین حصری که امام (ره) برای آزادی در نظر گرفته‌اند، است. اگر در جامعه ای از طرفی قانون و مقرراتی جهت برپایی نظم و امنیت نبوده و از طرف دیگر آزادی مطلق اعطا گردد، این جامعه دچار هرج و مرج و ازهم پاشیدگی شده و اصولاً در این جوامع جایی برای آزادی نیست، زیرا هر کسی دارای زور و قدرت بیشتری است، از آزادی بیشتری برخوردار بوده و آزادی دیگران را سلب می‌نماید. آزادی در کلام امام (ره) به معنی قانون شکنی و سلب آزادی دیگران نبوده، بلکه قانون اساسی هر جامعه ای عامل کنترل کننده آزادی‌های افراد بوده و چون در مملکت اسلامی قانون اساسی برگرفته از قانون اسلام است، لذا آزادی افراد

محدود به قانون اساسی و قانون اسلام است. ایشان معتقدند که قانون اساسی و اسلام آزادی، را به مردم اعطا کرده پس چطور می توان از این حد فراتر رفت و قانون شکنی و حریم شکنی نمود؟

امام (ره) با اعتقاد به اینکه ما آزادی مطلق خواهیم داد (البته آزادی مطلق که در جهت رشد و کمال انسان باشد) (۴۹) و اسلام هم جلوی آزادی را هیچ وقت نگرفته و در حکومت اسلامی همه افراد دارای آزادی با هرگونه عقیده ای هستند (۵۰) اما با این حال حد و مرزی برای آن مشخص نموده اند که همانا قانون اسلام و قانون اساسی آن را به بهترین وجه تأمین می کنند (۵۱)

اما وی معتقدند، قوانین دینی مرزهای آزادی اند (۵۲) به عبارت دیگر مرز آزادی را قوانین اسلام تعیین کرده و این آزادی ها تا جایی قانونی و مشروع اند که به احکام اسلام ضربه و خدشه ای وارد نکنند. ایشان می فرمایند: «دین کشور ما اسلام است، آزادی در حدود این است که به اسلام ضرر نخورد. قانون اساسی ما دین را اسلام می داند.» (۵۳)

وی با تأسی به قوانین دیگر کشورها، محدوده آزادی را قانون اعلام کرده و می فرمایند: «همه جای دنیا اینطور است که آزادی که هر ملتی دارد، در حدود قانون، آزادی دارد.» (۵۴)

۲- آزادی تا مرز توطئه:

امام (ره) آزادی را برای همه افراد و گروهها و تشکلهای محترم دانسته، اما یادآور می شوند که این آزادی نباید منجر به توطئه علیه اسلام و جامعه شود. ایشان حتی به دشمنان اسلام (مارکسیستها) آزادی فعالیت و آزادی بیان را گوشزد کرده، چرا که معتقدند اسلام دینی کامل و جامع است و توانایی پاسخگویی به این افراد و گروهها را دارد و لذا چون ایمان و عقیده اسلام قدرت مقابله با ایدئولوژی ایشان را داشته، پس آنها آزادند، اما این آزادی تا مرز توطئه محترم است. (۵۵)

جان استوارت میل، از طرفداران آزادی مطلق و بی حد و حصر است و منطقه مناسب آزادی بشر را شامل قلمرو هشیار ضمیر وی می دانست. ایشان آزادی مطلق را ضروری دانسته، اما آنچه در کلام ایشان مضمراست، ضررهای احتمالی از این نوع آزادی است. اما شیفنگی زیاد وی به گسترش آزادی مطلق و البته ناتوانی وی در تعیین حد مناسبی برای تمیز بین بیان آزاد و بیان ممنوع او را بدانجا می کشاند که در عمل نمی تواند بین آزادی اندیشه و آزادی بیان مرزی قائل گردد. (۵۶)

لکن هر چند امام(ره) مردم را دارای آزادی دانسته است، اما یادآوری می کنند اینان دارای آزادی توطئه نیستند. ایشان چارچوب آزادی را انقلاب اسلامی و نهضت بزرگ آن می دانند. به نظر می رسد امام(ره) با تأسی به سیره امام علی(ع) در جنگ با خوارج که وی نیز تا زمانی که دشمن توطئه نکرده و قصد برهم زدن امنیت را نداشتند آنان را آزاد گذاشت، اما وقتی قصد اینان را در توطئه دید آنها را از دم شمشیر گذراند.

۳- آزادی تا مرز هرج و مرج:

امام(ره) معتقدند، آزادی تا جایی محترم است که منجر به ایجاد هرج و مرج و سلب آسایش نشود (۵۷) نباید آزادی بی قیدوبند به افراد داده شود و همین آزادی مطلق، منجر به ایجاد هرج و مرج در جامعه و در نتیجه سبب از بین رفتن آزادی ای شود که برای بروز استعدادها و رشد و تعالی انسانها مفید است.

امام(ره) معتقدند باید همه افراد جامعه بیدار باشند که یک عده از آزادی سوء استفاده نکنند و باعث بروز هرج و مرج شود. ایشان می فرمایند: «حالا که آزاد هستیم، هرج و مرج بشود، هر کسی بخواهد برای خودش؛ همچو آزادی ای در بین بشر نباید باشد، در اسلام مطرح نیست یک همچو آزادی ای که کسی آزاد باشد که مردم را اذیت کند.» (۵۸) بدین ترتیب گرانبهاترین گوهر زندگی آدمی یعنی آزادی، با قانون، یعنی ارزشمندترین وسیله زندگی اجتماعی و مؤثرترین آلت تحقق امنیت و عدالت به منظور تحقق تربیت و رشد بروز استعدادهای بشری، محدود می شود. (۵۹)

۴- آزادی تا مرز فساد:

امام خمینی(ره) معتقدند نباید شرایط و محدوده، آزادی تا جایی گسترش یابد که باعث فساد و تباهی نسل جوان بخصوص و جامعه بطور اعم گردد. در اندیشه امام(ره) چنین آزادی هایی آزادی های مخرب اند و باید جلوی این آزادی گرفته شود، زیرا روح و فکر افراد و بخصوص نسل جوان که باید معطوف به تحصیل علم و تهذیب روح گردد، غافل شده و در نتیجه باعث تباهی یک نسل و عقب ماندگی یک ملت خواهد شد. ایشان آزادی به شکل غربی را باعث انحطاط اخلاقی جوانان دانسته و آن را از نظر عقلی و شرعی مردود اعلام نموده اند. (۶۰)

آزادی که از منظر امام(ره) «اعطایی از طرف خداست» (۶۱) و فطری و ذاتی انسان نیز می

باشد (۶۲) این نمی‌تواند با آزادی حیوانی هم عرض و هم سنخ باشد؛ بلکه ایشان آزادی را برخاسته از فطرت پاک واله‌ی بشر دانسته و این موضوع موجب می‌شود امام (ره) آزادی را در همان چارچوب فطرت و قدسی بودن که به زعم ایشان همان قوانین تکاملی انسان است محسوب نمایند.

از این رو آزادی از نظر امام (ره) همان آزادی است که اسلام و قوانین حاکم بر جامعه آن را مفید دانسته به نحوی که عدول از آنها موجب خسران و تباهی، هرج و مرج، بی‌بندوباری، و در نتیجه انحطاط فرهنگ و تمدن یک ملت می‌گردد. ایشان می‌فرمایند: «وقتی اسلام نباشد، وقتی پیغمبر اسلام مطرح نباشد، وقتی قرآن مطرح نباشد هزار تا آزادی باشد ممالک دیگر هم آزادی دارند ما آن را نمی‌خواهیم.» (۶۳)

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصل بیست و چهارم آمده که نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند. مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی شوند.... (۶۴)

پس بطور کلی هرچند آزادی، ابعاد خاصی همچون آزادی بیان، آزادی عقیده، آزادی فکر و.... دارد اما محدود و حریم هر یک از این آزادیها و مطلق آزادی، دین اسلام و قانون اساسی است و این نیز مورد تأیید فطرت پاک انسان است که هر نوع آزادی مجاز نمی‌باشد. ایشان در بیان ارزش و اهمیت آزادی به اساسی‌ترین رکن دین و عالی‌ترین اصل اعتقادی یعنی توحید اشاره می‌کنند و آزادی را رکن و زائیده این اصل اعتقادی می‌دانند، زیرا که در چنین نگرشی اعتقاد به خدایی یگانه به آزادی انسان از قیود، بندها، هوسها و اغیار منجر شده و سلب آزادی انسان، شرک را برای وی به ارمغان می‌آورد. ایشان در زمینه می‌فرمایند: «اعتقادات من و همه مسلمین همان مسائلی است که در قرآن کریم آمده است و یا پیامبر اسلام (ص) و پیشوایان به حق بعد از آن حضرت، بیان فرموده‌اند که ریشه و اصل همه آن عقاید که مهمترین و باارزشتین اعتقادات ماست، اصل توحید است... و ما از این اصل اعتقادی اصل آزادی بشر را می‌آموزیم که هیچ فردی حق ندارد انسانی و یا جامعه و ملتی را از آزادی محروم کند...» (۶۵)

بنابراین در نگاه امام (ره) آزادی جلوه‌ای از توحید است و بالطبع مخالفت در برابر آزادی مخالفت و ایستادن در مقابل اندیشه توحیدی است، مخالفت در برابر انبیاء و اولیایی است که جان خویش را در راه این اندیشه که همانا آزادی و تعالی و پیشرفت انسان را به همراه دارد داده‌اند.

به نظر می‌رسد جایگاه آزادی در اندیشه امام (ره) جایگاهی مقدس و توحیدی بوده و اصلاً در پرتو آزادی است که اصل توحید که همانا اصل یکتاپرستی و رهیدن از دست اغیار است نمود پیدا می‌کند. مطابق آیات و روایات، انسان در أَحْسَنَ تَقْوِيم (۶۶) آفریده شده و تنها موجودی است که بر صورت خداوند آفریده شده

«ان الله خَلَقَ آدَمَ عَلٰی صُوْرَتِهِ» (همانا خداوند انسان را بر صورت خویش خلق کرده است) (۶۷)

پس از آنجایی که انسان به صورت خداوند خلق گشته، لذا صاحب عقل و شعور بوده و چون جانشین خدا در زمین است پس، مانند خالقش دارای قدرت اختیار و آزادی و تعقل می‌باشد و اصلاً تعقل بدون آزادی بی معناست، (البته در اینجا مراد از تعقل، اندیشیدن در مخلوقات است نه در ذات خداوند)، پس انسان دارای قدرت انتخاب و آزادی و تعقل بوده و اینها اموری است که خداوند در فطرت پاک انسان قرار داده است.

بنابراین چون انسان دارای قدرت آزادی است و این آزادی از ناحیه خداست پس نمی‌تواند در عرض اراده الهی باشد لذا اراده انسان، در طول اراده خداست پس انسانی که جانشین و خلیفه خدا بر زمین بوده، اراده‌اش اراده خداست و مستقل از اراده الهی نمی‌باشد و چون این اراده در عرض اراده خدا نیست پس مجبور و مقهور اراده الهی که ما فوق اراده و خواست انسان است نمی‌باشد.

۷- آزادی در حکومت

امام (ره) می‌فرمایند: «واین بی انصاف‌های آزادیخواه، این نحو آزادی را برای ما تبلیغ می‌کنند و تأکید می‌کنند بر آزادی که مملکت ما را به تباهی می‌کشد.» (۶۸)

ایشان آزادی به شکل غربی را موجب تباهی جوانان و مردم دانسته و آن را هم از نظر اسلام و هم از نظر عقلی محکوم می‌دانند. امام (ره) هر نوع تبلیغات، مقالات، سخنرانی‌ها و کتب و مجلات که برخلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور قدم بردارند را حرام اعلام نموده که بر همه مردم است که با این نوع آزادی که موجب تضعیف اسلام و حکومت است مقابله کنند. امام (ره) معتقدند ملت طرفدار همه جور آزادی است، اما طرفدار توطئه و تباهی در حکومت و نظام اسلامی نیست.

خداوند و پیامبر اعظم (ص) و سپس امامان معصوم (ع) را به عنوان حاکمان حکومت اسلامی برگزیده و قول و فعل و تقریر ایشان را حجت شرعی قرار داده است. اینان مجریان

احکام خداوند سبحان بوده‌اند.

آزادی در حکومت یعنی تحت رهبری خدا و انبیا(ع) و امامان(ع) در حدود و مرز قانون و احکام خداوند عمل نمودن که این مسئولیت در زمان غیبت کبری از آن فقیهان واجد شرایط است. اینطور نیست که مثلاً مسائل و احکام از طریق وحی به رسول اکرم(ص) رسیده و آن حضرت و یا سایر ائمه اطهار(ع) صرفاً مسائل و احکام شرعی را بیان نمایند و بعد از ایشان این وظیفه مسأله گوئی به فقها رسیده شده باشد بلکه «الفقهاء أمناء الرسل» (فقها مورد اعتماد رسولانند) و یا «العلماء ورثة الانبياء» (علمای جانشینان انبیاء اند) بدین معناست که فقهای عظام ضمن دوری از هوای نفس، برای حفظ اسلام و قانون قرآن و شریعت محمدی(ص) کوشیده تا حاکمیت الهی محقق و جامعه بوسیله این حاکمان و قاضیان از هرگونه انحراف از اسلام و قانون پاکسازی و در جهت تحقق آرمانهای اسلامی هدایت شود.

حکومت باید جامعه را به سوی معروف، هدایت و از منکر دور نماید. اینچنین جامعه ای سرشار از حق گوئی و حق شنوی است. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الضُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يُعْقِلُونَ» (۶۹) انسان که ابزار معرفت در وجودش تعطیل شده و از مقام خلیفه الهی سقوط کرده، نه تنها خود را از رشد و تعالی و کمال محروم نموده، بلکه جامعه را از این استعداد و کمال فردی بی بهره گذاشته است. از این رو محدوده آزادی تا آنجا محترم است که به مبانی حکومت و اسلام ضرر نرساند، بلکه در تقویت آن نیز کوشا باشد.

امام مبانی آزادی را پیروی از قرآن کریم و سنت معصومین(ع) می‌دانند. (۷۰) وجود آیات الهی که امر خداوند را در زمینه های گوناگون فردی و اجتماعی، بیان می‌کنند، همگی دال بر محدود بودن آزادی در چارچوب قوانین الهی و حاکمیت خدا بر مردم و شئون زندگی آنهاست. آیات و روایات مختلف که در امر به معروف و نهی از منکر و جلوگیری از مفاسد اجتماعی ذکر شده همگی دلیل بر آن است که افراد و اجتماع بطور مطلق، آزاد، نبوده بلکه وقتی صحبت از امر به خوبی‌ها و نهی از بدی‌ها می‌شود منظور بیان ارکان اسلام است؛ بدین معنی که انسانها اگر مطلقاً آزاد گذارده شوند خود و اجتماع را به فساد کشانده و جامعه رو به زوال گذاشته می‌شود.

پس آزادی «حق اولیه بشر» است که در همان آغاز خلقت به او عطا شده است. (۷۱) این از نظر امام(ره) آزادی یک «هدیه آسمانی» «نعمت بزرگ الهی»، «یکی از بنیانهای اسلام» معرفی شده، و این امتیازی نیست که دولتی و یا فردی آن را بخواهد عطا کند و یا پس بگیرد. این آزادی همانند حق حیات است که هر انسان واجد آن است. آنچه در اینجا حائز

اهمیت است تأکید امام (ره) بر آزادی و حقوق بشر از نگاه اسلامی آن است. ایشان معتقدند اسلام حقوق بشر را نه تنها محترم شمرد و عمل هم می کند و نه تنها حق آزادی را از کسی سلب نکرده، بلکه با کسانی که این آزادی را از دیگران سلب کنند برخورد نموده است. (۷۲) بنابراین امام مسأله آزاد را بر پایه اسلام واصل اصیل توحید و قرآن دانسته‌اند. ایشان با تمسک به اصل توحید و ادله عقلی، اصل آزادی بشر را تفسیر و اذعان می دارند که «هیچ فردی حق ندارد انسانی و یا جامعه و ملتی را از آزادی محروم کند و یا برای او قانون وضع کند،...» (۷۳)

نتیجه گیری

گفته شد که دین اسلام بر عقل، توحید و سنت تکیه داشته و در این دین به همه ابعاد فطری انسانها توجه خاص شده و سیاست نیز بعدی از ابعاد وجودی انسانها بوده و لذا جایگاه ویژه ای را در این خصوص به خود اختصاص داده است

امام خمینی (ره) نیز اندیشمند و آزادیخواهی بزرگ است که در دامن این دین بزرگ پرورش یافته و بیشنای کاملاً دینی دارند.

همچنانکه دیدیم ایشان در بیانات خویش، صریحاً آزادی را جزء لاینفک تکلیف الهی قلمداد نموده و اعلام داشته که هدف انبیای الهی رهایی انسانها از یوغ استکبار و تفهیم مسأله وجود آزادی برای همه آنهاست.

رویکرد امام (ره) رویکردی عقلایی و برخاسته از اصل توحید بوده که طبیعتاً مسأله آزادی بر این مبانی استوار خواهد است.

مجموعه این مباحث نشان می دهد که امام خمینی (ره) تلاش داشتند تا مفهوم آزادی و آزادگی را به عنوان یک ارزش فطری که در نهاد تمامی انسانها وجود دارد بیدار کرده و به تعبیر بهتر آن را بازسازی نماید. اصولاً مسئله آزادی است که به بشر این امکان را می دهد که به هر سمت و سویی که میل دارد حرکت نماید و ایشان با آگاهی کامل از این بعد فطری قصد داشتند به این بعد سمت و سویی الهی داده و آن را در جهت رشد و کمال معنوی انسان قرار دهد.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- نهج البلاغه، ترجمه محمددشتی، ص ۵۳۳
- ۲- کاظم قاضی زاده، اندیشه های فقهی - سیاسی امام خمینی، ص ۲۹۸
- ۳- ارسطو، سیاست، ترجمه حمید عنایت، ص ۲۴۱
- ۴- موریس کرنستون، تحلیل نوین از آزادی، ص ۳۰
- ۵- منبع پیشین
- ۶- منبع پیشین، ص ۷۲
- ۷- منبع پیشین
- ۸- محمدحسین جمشیدی، اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)، ص ۱۲۰
- ۹- امام خمینی(ره)، طلب و اراده، ص ۷۴
- ۱۰- امام خمینی(ره)، صحیفه امام، ج ۳، ص ۵۱۰
- ۱۱- محمدحسین جمشیدی، اندیشه سیاسی امام خمینی، ص ۲۴۳
- ۱۲- امام خمینی(ره)، صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۹۴
- ۱۳- منبع پیشین، ج ۱۰، ص ۴۱۹
- ۱۴- منبع پیشین، ج ۶، ص ۴۶۳
- ۱۵- منبع پیشین، ج ۴، ص ۲۴۲
- ۱۶- منبع پیشین، ج ۱، صص ۲۸۶-۲۸۷ و ج ۵، ص ۳۸۷
- ۱۷- منبع پیشین، ج ۵، صص ۵۱۰-۵۰۹
- ۱۸- منبع پیشین، ج ۶، ص ۴۶۳
- ۱۹- منبع پیشین، ج ۵، صص ۷۴-۷۳
- ۲۰- منبع پیشین، ج ۶، ص ۲۷۷
- ۲۱- مهدی منتظرالقائم، آزادهای شخصی و فکری از منظر امام خمینی و مبانی فقهی آن، ص ۲۰
- ۲۲- منبع پیشین، ص ۲۱
- ۲۳- امام خمینی(ره)، صحیفه امام، ج ۵، صص ۵۱۰-۵۰۹
- ۲۴- الاعراف، آیه ۱۵۷
- ۲۵- الانسان، آیه ۳
- ۲۶- الاعراف، آیه ۱۵۷
- ۲۷- امام خمینی صحیفه امام ج ۵، صص ۲۳-۳۲
- ۲۸- منبع پیشین، ص ۴۳
- ۲۹- بقره، آیه ۲۵۵
- ۳۰- منبع پیشین
- ۳۱- العاشیه، آیه ۱۷
- ۳۲- منبع پیشین، آیه ۲۱
- ۳۳- منبع پیشین، آیه ۳۲
- ۳۴- نباء، آیه ۳۱
- ۳۵- کهف، آیه ۵۶
- ۳۶- نازعات، آیه ۴۵
- ۳۷- نهج البلاغه، ترجمه محمددشتی، ص ۵۸۳
- ۳۸- منبع پیشین
- ۳۹- منافقون، آیه ۸
- ۴۰- مرتضی مطهری، انسان کامل، ص ۲۳۸
- ۴۱- محمدبن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۲۵
- ۴۲- نهج البلاغه، ترجمه محمددشتی، ص ۶۰
- ۴۳- انسان، آیه ۳

منابع

- ۱- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، انتشارات دارالقرآن الکریم، چاپ دوم، قم، ۱۳۸۴
- ۲- ارسطو، سیاست، ترجمه حمید عنایت، چاپ چهارم، چاپخانه سپهر، ۱۳۴۴
- ۳- انصاری، حمید، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجلس شورای اسلامی، اداره کل امور فرهنگی، تهران، ۱۳۶۴
- ۴- انصاری، حمید، قرآن کتاب هدایت از دیدگاه امام خمینی، مجموعه تبیان، دفتر سیزدهم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۵
- ۵- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه (۲۰ جلدی) دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۲ ق
- ۶- جمشیدی، محمد حسین، اندیشه سیاسی امام خمینی، پژوهشکده امام خمینی، تهران، ۱۳۸۴
- ۷- خمینی، روح الله، آداب الصلوه، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم، تهران، بی تا
- ۸- خمینی، روح الله، البیع، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۹
- ۹- خمینی، روح الله، تفسیر سوره حمد، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۸
- ۱۰- خمینی، روح الله، صحیفه نور (جلد ۴) موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، انتشارات شرکت سهامی، تهران، چاپخانه وزارت ارشاد، ۱۳۶۱
- ۱۱- خمینی، روح الله، صحیفه امام (۲۲ جلد)، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۸
- ۱۲- خمینی، روح الله، وصیت نامه الهی - سیاسی، نشر اسوه، تهران، ۱۳۶۹
- ۱۳- خمینی، روح الله، طلب و اراده، ترجمه احمد فهری، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲
- ۱۴- دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، انتشارات صفی، قم، ۱۳۷۹
- ۱۵- دلشاد تهرانی، مصطفی، عارض خورشید، چاپ اول، انتشارات خانه اندیشه جوان تهران، ۱۳۷۹
- ۱۶- حر عاملی، وسائل الشیعه، انتشارات دارالاحیاء التراث العربی، ج ۸، بیروت، ۱۳۸۹ ق
- ۱۷- فوزی، یحیی، اندیشه سیاسی امام خمینی، دفتر نشر معارف، چاپ دوم، قم، ۱۳۸۴
- ۱۸- قاضی زاده، کاظم، اندیشه های فقهی - سیاسی امام خمینی، مرکز مطالعات استراتژیک ریاست جمهوری، چاپ اول، ۱۳۷۷
- ۱۹- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تدوین جهانگیر منصور، انتشارات کاج، چاپ ۵۹، تهران، ۱۳۸۶
- ۲۰- قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، مدرسه الوفا، بیروت، بی تا
- ۲۱- کرنستون، موریس، تحلیل نوین از آزادی، ترجمه جلال الدین اعلم، چاپ سوم، امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۰
- ۲۲- کلینی، محمد، الکافی، دارالکتب الاسلامیه (جلد اول)، تهران، ۱۳۸۸ ق
- ۲۳- کلینی، محمد، الکافی (۷ جلدی)، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ق
- ۲۴- مطهری، مرتضی، ولاهاو ولایتها، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۵
- ۲۵- مطهری، مرتضی، انسان کامل، چاپ دوم، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۶۸
- ۲۲- منتظر القائم، مهدی، آزادی های شخصی و فکری از منظر امام خمینی و مبانی فقهی آن، ناشر ستاد یکصدمین سال بزرگداشت میلاد امام خمینی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۱



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی